



انجمن ایرانی حقوق جزا

نشریه علمی

پژوهشنامه حقوق کیفری



دانشگاه گیلان

سال شانزدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، پیاپی ۳۲

صفحات مقاله: ۷-۳۱

مقاله پژوهشی

امکان بازنگری احکام غیر قانونی صادره در نتیجه تعاملات فاسد قضایی در نظام حقوقی ایران

۱- فاطمه سلیمانزاده ^{ID}

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲- محمود صابر* ^{ID}

دانشیار گروه حقوق کیفری دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

✉ m.saber@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۹/۴

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

چکیده:

هدف از دادخواهی، تحقق عدالت و احقاق حق است؛ باین‌حال وقوع تعاملات فاسد در فرایند دادرسی، از جمله رشوه، می‌تواند به صدور آرای منجر شود که با عدالت قضایی در تعارض است. این پژوهش به بررسی امکان نقض آرای صادره متأثر از تعاملات فاسد در جریان دادرسی می‌پردازد. روش تحقیق مبتنی بر تحلیل اسناد و مدارک، از جمله پرونده‌های اعاده دادرسی، و انجام ۴۰ مصاحبه عمیق با وکلا و کنشگران قضایی است. یافته‌ها نشان می‌دهد هرچند قانون‌گذار در مواد ۴۷۴ و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری، اعاده دادرسی را به‌عنوان یکی از طرق فوق‌العاده اعتراض به آراء پیش‌بینی کرده است، اما فقدان تصریح قانونی درباره امکان نقض رأی در صورت اثبات فساد قضایی، ابهام در تعیین مصادیق، پیچیدگی سازوکارهای طرق فوق‌العاده و نبود رویه قضایی منسجم، این امر را با چالش‌های اساسی مواجه ساخته و ضرورت تنصیب و پیش‌بینی راهکارهای صریح قانونی را مبرهن می‌سازد.

واژگان کلیدی: فساد قضایی، تعاملات فاسد، اعاده دادرسی، حکم غیرقانونی، ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری.

مقدمه

فساد قضایی در ادبیات حقوقی و جرم‌شناسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع تحقق عدالت شناخته می‌شود. سازمان شفافیت بین‌الملل، فساد را «سوءاستفاده از قدرت واگذار شده به جهت منافع شخصی» تعریف می‌کند؛^۱ منافعی که می‌تواند مالی، مادی یا حتی غیرمادی مانند ارتقای سیاسی یا حرفه‌ای باشد. بر این اساس، فساد قضایی را می‌توان به سوءاستفاده مقامات قضایی یا کارکنان دادگستری از اختیارات قانونی خود به‌منظور کسب منفعت شخصی یا گروهی^۲ تعبیر کرد. (Gong, 2016: 34) در یک تعریف دیگر، فساد قضایی شامل موارد تأثیر نامناسب بر بی‌طرفی روند قضایی توسط هر مقامی در سیستم دادگستری می‌باشد^۳ در نتیجه، فساد قضایی با اقدامات اعضای دادگستری، به‌عنوان مثال قاضی و کارمند دفتری که با قصد کسب منفعت در پی نقض دستورات و رویه‌ها هستند، مشخص می‌شود. (Voigt & Gutmann, 2015: 157). فساد قضایی در عمل اشکال مختلفی دارد که می‌توان آن را به سه دسته تقسیم کرد:^۵ الف) سوءرفتارهای فیزیکی مانند بازداشت و اعمال زور غیرقانونی،^۶ ب) سو فتر بدون مبادله مستقیم از قبیل اختلاس یا سهل‌انگاری جدی در رسیدگی‌ها، و فریب اصحاب دعوا^۷ ج) نوع "ج" نشان‌دهنده رشوه خواری و اعمال نفوذ است که معمولاً در بستر توافق و تبانی میان قاضی و ذی‌نفع یا از طریق واسطه‌ها رخ می‌دهد. این مبادله فقط به معاملات پولی (موارد تحت تأثیر رشوه پولی) محدود نشده و شامل هر چیزی است که برای شخص متعامل می‌تواند ارزشمند باشد.^۸ (Peerenboom, 2009: 198).

۱. سازمان شفافیت بین‌الملل (۱۳۹۵)، فساد در نظام‌های قضایی؛ گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل (لیلی منفرد) مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه (2007)

2. cliquish gains

3. Combating Corruption in Judicial Systems: Advocacy Toolkit Publisher: TI Secretariat: 2007 Field(s): Corruption.p33

4 See: Brooks, G., 2019. Criminal justice and corruption: state power, privatization and legitimacy. Springer. Buscaglia, E., 2001. An analysis of judicial corruption and its causes: An objective governing-based approach. International Review of Law and Economics, 21(2), pp.233-249. Voigt, S. and Gutmann, J., 2015. On the wrong side of the law—Causes and consequences of a corrupt judiciary. International Review of Law and Economics, 43, pp.156-166. Fair Trial Implications of Corruption Allegations at the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. www.ticambodia.org FROM: Elizabeth Nielsen, Yale Law School Legal Associate, Documentation Center of Cambodia TO: Anne Heindel Legal Advisor, Documentation Center of Cambodia. Benson, B.L., 1988. An institutional explanation for corruption of criminal justice officials. Cato J., 8, p.139. Gramckow H, Corruption Risks in the Criminal Justice Chain and Tools for Assessment (c3 U4 Issue 2015: 2, Chr Michelsen Institute 2015) Wagner, B.B. and Jacobs, L.G., 2008. Retooling Law Enforcement to Investigate and Prosecute Entrenched Corruption: Key Criminal Procedure Reforms for Indonesia and Other Nations. U. Pa. J. Int'l L., 30, p.183. Brooks, G. (2016). Criminology of Corruption: Theoretical Approaches. Basingstoke: Palgrave Macmillan. Brooks, G., Lewis, C., Walsh, D., & Kim, H. (2013). The Prevention of Corruption: Investigation, Enforcement and Governance. Basingstoke: Palgrave Macmillan. Burkhardt, B. (2014). Private Prisons in Public Discourse: Measuring Moral Legitimacy. Sociological Focus, 47(4), 279–298. Jenkins, S. (2013). Miscarriages of Justice and the Discourse of Innocence: Perspectives from Appellants, Campaigners, Journalists, and Legal Practitioners. Journal of Law and Society, 40(3), 329–355. Lindgren, J. (1988). The Elusive Distinction Between Bribery and Extortion: From the Common Law to Hobbes. UCLA Law Review, 35, 815. Ayers, I. (1997). The Twin Faces of Judicial Corruption: Extortion and Bribery. Yale Law School Scholarship Repository Paper 1500, 1(1), 1213–1253. Braimah, A. I. (2016). Are Judges Corrupt? An Empirical Analysis of the Ghana Judiciary. Journal of Humanities and Social Science, 21(8), 12–21

۵. تقسیم بندی دیگری از فساد قضایی نیز جود دارد که در آن فساد قضایی به فساد اداری و عملیاتی تقسیم می‌شود؛

See: Buscaglia, E. (2001). An analysis of judicial corruption and its causes: An objective governing-based approach. International review of law and economics, 21(۲).p237

۶. نوع الف سوررفتار یعنی خشونت فیزیکی با توجه به اختیارات پلیس در اجرای دستورات مقامات قضایی در جلب و دستگیری و... خشونت فیزیکی و محرومیت از آزادی اتفاق بیافتد (مثل خفگی یکی از دستگیرشدگان توسط پلیس)

7. swindling litigants

۸. از جمله؛ درخواست‌های جنسی، صدور پروانه ساختمانی بدون رعایت ضوابط، استخدام شخص مورد نظر در ارگان‌های پیشنهادی و...

مقاله حاضر بر دسته سوم یعنی تعاملات فاسد و فساد مبتنی بر تبادل تمرکز دارد، زیرا بنا به گزارش مقامات عالی قضایی،^۱ از بارزترین مصادیق فساد در نظام دادرسی به شمار می‌روند. تعامل مقامات رسیدگی کننده با اشخاص ذی نفع و توافق با آنها می‌تواند رسیدگی را از روال قانونی و عادی خود منحرف و اشخاص و مراجعه کنندگان به دادگستری را از عدالت و یک رسیدگی عادلانه و منصفانه محروم ساخته و منجر به صدور احکام ناعادلانه گردد. با توجه به آثار جبران‌ناپذیر آراء قضایی بر حقوق افراد، بررسی امکان نقض احکامی که در نتیجه تعاملات فاسد صادر شده‌اند، اهمیتی دوچندان می‌یابد. تعاملات فاسد با خدشه بر بی‌طرفی قضات، مشروعیت آرای صادره را به شدت زیر سؤال می‌برند. از این رو، بررسی امکان بازنگری و نقض آراء ناشی از تعاملات فاسد ضرورتی مضاعف دارد.

در پیشینه‌ی پژوهش، هرچند که تحقیقات و مقالات علمی پیرامون فساد قضایی در نظام حقوقی ایران قابل مشاهده است^۲ اما این تحقیقات بیشتر حول و محور علت‌های فساد قضایی و سازوکارهای کنترل آن می‌باشد. لیکن در خصوص تعامل فاسد به‌عنوان مصادیقی از فساد قضایی و بررسی آثار آن، صرفاً می‌توان به یک مقاله با عنوان «مسئولیت کیفری قضات در صدور احکام غیرقانونی به دلیل به دلیل انجام تعاملات فاسد با مطالعه تطبیقی قوانین کشورهای اروپایی»^۳ اشاره کرد که در آن به بررسی مسئولیت کیفری قاضی در قبال صدور احکام غیرقانونی ناشی از تعاملات فاسد پرداخته شده است. نوآوری پژوهش حاضر نسبت به مقاله فوق‌الذکر در این مهم است که این تحقیق نه به دنبال مسئولیت شخص صادرکننده حکم، بلکه با رویکردی متفاوت به دنبال تحلیل ظرفیت‌ها و سازوکارهای قانونی برای بازنگری و بررسی مجدد این آراء است و می‌کوشد؛ نشان دهد که نظام حقوقی ایران چه ابزارهایی برای احیای عدالت قضایی در فرض نقض آن از طریق تعاملات فاسد قضایی، در اختیار دارد.

این تحقیق با استفاده از روش تحقیق کیفی و با بهره‌گیری از تحلیل اسناد و مدارک، دادنامه‌ها، پرونده‌های قضایی، انتظامی و درخواست‌های اعاده دادرسی، گزارش‌های رسمی و مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختارمند با ۴۰ نفر از قضات، وکلا، ضابطان و کارکنان دادگستری در پی آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا در نظام حقوقی ایران ظرفیت‌ها و سازوکارهایی برای بررسی مجدد و نقض احکام غیرقانونی صادره در نتیجه تعامل فاسد مقام قضایی وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا به تبیین حکم و آراء قابل نقض که به دلیل به دلیل تأثیر تعامل فاسد به صورت غیرقانونی صادر شده‌اند و عدالت قضایی، اقتضای رسیدگی مجدد نسبت به آن را دارد، پرداخته شده است. در گام بعدی ظرفیت‌های موجود در ق.آ.د.ک در خصوص طرق فوق‌العاده اعتراض به آراء قطعی صادره و امکان توسل و تمسک به آن در موارد تعاملات فاسد مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت با گریزی به قوانین منسوخ که می‌توانست در تجدیدنظرخواهی از چنین احکامی مورد استفاده قرار گیرد، وضع و نص موادی مشابه آن با شرایط و ضوابط صریح و شفاف، پیشنهاد شده است. ذکر این نکته خالی از فایده نمی‌باشد که هرگونه تجزیه و تحلیل سیستماتیک از فساد در دادگاه‌ها و تأثیر آن در احکام صادره به دلیل پنهانی بودن فساد، فقدان اطلاعات در خصوص آن به جهت عدم امکان مشاهده واقعیت امر در اتاق جلسات دادگاه، می‌تواند بی‌حد و حصر چالش برانگیز باشد. (Peerenboom, 2009: 197).^۴

۱. «رئیس دیوان عالی کشور؛ فساد مالی و روابط غیراخلاقی از بارزترین مصادیق فساد در نظام دادرسی به شمار می‌روند». (۱۳۹۸/۰۴/۰۶) <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/04/06/2041893>

۲. رجوع شود به؛ پژوهشکده مطالعات پایه (۱۴۰۰)، ارزیابی فساد قضایی در آمریکای مرکزی و پاناما و سازوکارهای مقابله با آن (سمیه عالی) پژوهشگاه قوه قضائیه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، دولتخواه پاشاکی، پیمان (۱۴۰۰)، سازوکارهای کنترل فساد قضایی در نظام عدالت کیفری، چاپ اول، تهران: مهرکلام، طاهری احد، طباطبایی، محمدصادق (۱۳۹۹)، تبیین راهکارهای مبارزه با فساد قضایی در نظام دادرسی مدنی ایران؛ فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۰، شماره ۲، صص ۲۵۸-۳۰۲، آلبرشت، هانس یورگ، (۱۳۸۸) فساد و کنترل فساد: نگاهی به پدیده فساد با رویکردی به اسناد بین‌المللی در زمینه ی پیشگیری و منع فساد؛ (مجید قورچی بیگی)، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، شماره ۱۷ و ۱۸

۳. سلیمان زاده، فاطمه، صابر، محمود، مسعودی مقام، اسداله، (۱۴۰۴)، مسئولیت کیفری قضات در صدور احکام غیرقانونی به دلیل انجام تعاملات فاسد (با مطالعه تطبیقی قوانین کشورهای اروپایی)، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، آماده انتشار

۴. از جمله محدودیت‌های تحقیق در پرونده‌های فساد می‌توان به این موارد اشاره کرد: تبلیغاتی بودن موضوع فساد می‌تولند موجب عدم اعتماد به گزارش‌های رسانه‌ها گردد. داده‌های رسمی نمی‌تواند جامع باشد آمار رسمی مربوط به دادگاه‌ها محرمانه یا حتی کاملاً محرمانه در نظر گرفته می‌شود،

۱. تعاملات فاسد و احکام غیرقانونی ناشی از آن

در جریان رسیدگی به یک دعوی از زمان ثبت پرونده تا صدور حکم و اجرای آن، تصمیمات متعددی از طرف مقامات قضایی اتخاذ می‌گردد که می‌تواند موضوع تعاملات فاسد قرار گرفته و موقعیت اشخاص پرونده را نسبت به آنچه که قانوناً برای آنها معین شده است، تغییر دهد و وضعیت پرونده را از روال عادی و قانونی خود منحرف سازد، از جمله صدور قرارهای تامین نامتناسب، صدور قرار کارشناسی و ارجاع به کارشناس از پیش تعیین شده، تجدیدجلسات دادرسی که منجر به اطاله آن شود و در نهایت صدور حکم یا قرار که پرونده را براساس خواست طرفین تعامل مختومه نماید. همه این سوءرفتارها می‌تواند موجب نقض اصول دادرسی عادلانه و نقض اصل برابری اشخاص گردد. تصمیماتی که از آنها نام بردیم به دو دسته کلی تصمیمات اداری و تصمیمات قضایی تقسیم می‌شوند. پس حکم دادگاه در معنای عام هم شامل تصمیمات قضایی و هم اداری می‌شود ولی حکم دادگاه در معنای خاص، فقط شامل تصمیمات قضایی است که در ماهیت دعوا صادر و دعوا را حل و فصل می‌نماید. (غفاری و دیانت، ۱۳۹۶: ۷۹) آنچه که امکان نقض وبازنگری مجدد آن در پژوهش حاضر مورد بررسی مقرر می‌گیرد حکم دادگاه در معنای خاص می‌باشد.

با توجه به طیف وسیع تعاملات فاسد و هدف از انجام آن، این سوءرفتارها می‌تواند هم بر حکم صادره مؤثر بوده و با هدف دستیابی به آن انجام شود و هم بدون تأثیرگذاری در حکم صادره صرفاً در مسیر پرونده تغییراتی ایجاد نماید. بنابراین در خصوص تأثیر تعاملات فاسد در مسیر پرونده و حکم صادره، شقوق ذیل قابل تصور است؛

۱. در نتیجه تعاملات فاسد، دادرسی عادلانه نقض گردیده، لیکن حکم قانونی صادر شده است. به طور مثال مقام قضایی بی‌طرفی را نسبت به شخص مقابل نقض نموده و یا دادرسی را برای مدت نامتعرف به تأخیر انداخته باشد، منتهی در نهایت کار طبق شرایط پرونده حکم قانونی صادر نماید. مثل موردی که مصاحبه شونده شماره ۱۲ وکیل دادگستری توصیف نموده است: «در پرونده ای که در آن شخصی با فریب مردم به پرداخت سود دوبرابری وجوه آنان در مدت ۳ ماهه، توانسته بود پول زیادی را به جیب بزند که خود ما نیز از مال باختگان بودیم، نسبت به طرح شکایت کیفری اقدام نمودیم در این زمان بازپرس پرونده، اوقات رسیدگی و ابلاغ‌ها را هربار با بیان اینکه در درج کد ملی اشتباه نموده یا زمان پنج روز فاصله ابلاغ رعایت نشده، آنقدر طول داد تا اینکه آن شخص اموال را از دسترس خارج و از مرز نیز فرار کرد. هرچند که پرونده بررسی و نهایتاً بعد از دوسال دوندگی آنها محکوم شدند، اما دست ما از اموال آن شخص محروم ماند. بعدها فهمیدیم شخص مذکور از آشنایان بازپرس بوده است».

۲. تعاملات فاسد صرفاً در خصوص برخی از اقدامات صورت پذیرفته، بدون اینکه کل دادرسی را شامل شود، نظیر اقدام به اخذ رشوه در صدور قرار تامین غیر متناسب، بدون اینکه در سایر جنبه‌های دادرسی تعاملی انجام شود. مصاحبه شونده شماره ۱۵ وکیل دادگستری در این خصوص چنین اظهار نمودند: «در پرونده ای با عنوان اتهامی کلاهبرداری بازپرس قرار وثیقه به میزان مبلغ ۴ میلیارد تومان صادر نموده بود که با اعتراض بنده به قرار، پرونده به شعبه کیفری ۲ که دادرس ایشان از دوستان بنده بود، ارجاع گردید که بعد از صحبت با ایشان، مبلغ قرار به ۴۰۰ میلیون تومان تقلیل یافت».

دسترسی به داده‌های دادگاه اصلی از هر نوع بسیار دشوار است، چه رسد به داده‌های مربوط به فساد دادگاه. از طرف دیگر داده‌های مربوط به جرایم ثبت شده که بخشی از آن مربوط به فساد است، براساس داده‌های کشف شده پلیس و احکام صادر شده در دادگاه است. داده‌های پلیس و احکام دادگاه برای ارزیابی میزان فساد مفید هستند، اما تنها شامل اشخاص متهم و محکوم شده هستند که این امر می‌تواند براساس ادله و شواهد ارائه شده توسط دادستان و یا دفاع او و همچنین با استناد به شواهد محدود، شهادی که حاضر به حضور در دادگاه نبوده، چانه زنی برای کاهش حکم احتمالی و یا با اعمال فساد مختومه شده باشد که تعداد آن نسبت به اعمال فساد واقعی بسیار کم است. سه دلیل احتمالی برای تعداد بسیار کم از رفتارهای فاسد در داده‌های رسمی آماری وجود دارد. اول، شهروندان دلایل مختلفی برای گزارش نکردن جرائم فساد دارند. دوم، نهادهای تحقیق به ندرت در جریان کار خود چنین تخلفاتی را کشف می‌کنند. سوم، جرائمی که گزارش شده اثبات نمی‌شود. بنابراین، جرایم فساد سطح بالا تعقیب نمی‌شود-تعقیب می‌شود ولی سیستم کشف نمی‌کند- کشف می‌شود ولی تحقیق صورت نمی‌گیرد-تحقیق می‌شود ولی حکم محکومیت صادر نمی‌شود.

See: Analysis of the Criminal Justice System's Response to Corruption (Bosnia and Herzegovina) Technical Report · January 2017. www.researchgate.net/publication/313309215

۳. تعاملات فاسد انجام لیکن به دلایل دیگر موجود در پرونده از جمله شهادت شهود و یا تحقیقات مامورین و یا استعلام از سایر نهادهای حکم نهایی که مطابق با شرایط پرونده بوده، صادر گردد. در واقع ممکن است قاضی با مشاهده پرونده و شرایط آن، از طرفی که حکم به نفع او خواهد بود، اخاذی نماید. بدین صورت که از شخص برای صدور حکمی که قانوناً حق اوست، درخواست و مزایایی را طلب نماید. (Ayers:1997) همانطور که مصاحبه شونده شماره ۵ بازپرس دادسرای ویژه چنین اظهار نموده اند: «قاضی فاسد به شرایط پرونده نگاه می‌کند اگر دلایل و مدارک به نفع یکی از طرفین باشد از او برای صدور حکم، رشوه می‌خواهد چرا که می‌داند اگر حکمی هم صادر نماید قانونی است و به اعتبار خود خدشه ای وارد نمی‌شود.»

۴. در نتیجه تعاملات فاسد دادرسی و اصول آن نقض و در نهایت نیز حکم غیرقانونی بر علیه شخصی که طرف مقابل تعامل کننده است، صادر شده باشد. مورد ذکر شده در این بند هدف طیف وسیعی تعاملات فاسد است، در واقع اشخاص برای دستیابی به حکم مطلوبی که در شرایط و روال عادی اخذ آن ممکن نیست، به تعاملات فاسد روی می‌آورند. بررسی امکان بازنگری نیز در خصوص چنین احکامی است که غیرقانونی بوده و به دلیل تأثیر تعاملات فاسد، عدالت قضایی را خدشه دار نموده است.

در خصوص حکم خلاف قانون صادره در نتیجه تعاملات فاسد نیز موارد ذیل قابل تصور می‌باشد؛

۱. حکم صادره ناشی از تعاملات فاسد به طرق عادی قابل اعتراض بوده و در واقع حکمی غیر قطعی باشد. ۲. حکم ناشی از تعاملات فاسد مخالف با قوانین لازم الاجرا و شرایط و ادله موجود در پرونده صادر گردیده است، لیکن وجود این تعاملات باوجود شکایت شخص و تمسک به ضمانت اجرای کیفری، انتظامی اثبات نگردیده باشد. ۳. حکم ناشی از تعاملات فاسد مخالف با قوانین لازم الاجرا و شرایط و ادله موجود در پرونده صادر گردیده و وجود این تعاملات در مراجع صالح اثبات گردیده باشد.

با توجه به شقوق مذکور، منظور از امکان بازنگری و نقض حکم صادره در این پژوهش، حکم غیرقانونی است که قطعی گردیده و وجود تعاملات فاسد در آن در هریک از مراجع کیفری، انتظامی اثبات شده باشد. بنابراین احکام قانونی باوجود تعاملات فاسد، احکام غیرقطعی به دلیل امکان تجدیدنظرخواهی از آنها و احکامی که وجود تعاملات فاسد در صدور آن، اثبات نشده و صرف ادعاست، به دلیل مخالفت با قاعده اعتبار امر مختومه و همچنین امکان نقض استقلال قضایی، از بحث پیش رو خارج می‌باشند.

۲. امکان بازنگری و نقض حکم غیرقانونی صادره در نتیجه تعاملات فاسد

در نظام حقوقی ایران در قوانین لازم الاجرا در خصوص نقض احکام قطعی ساز و کارهایی از جمله اعاده دادرسی پیش‌بینی گردیده است که این ساز و کار در مواد ۴۷۴ و ۴۷۷ ق.آ.د.ک^۱ درج و جهات و شرایط آن نیز تصریح شده است. غیر از موارد فوق الذکر، در قوانین سابق صدور که در حال حاضر نسخ گردیده اند نیز مواردی از امکان نقض احکام قطعی وجود داشت که توسل به آن به عنوان مصداق قانونی برای اعتراض به رای غیرقانونی صادره در نتیجه تعاملات فاسد، امکان پذیر بود. در ادامه مطلب به بررسی امکان نقض احکام پیش گفته با توسل به طرق فوق العاده پیش‌بینی شده در قوانین و همچنین به بررسی مواد نسخ شده و پیشنهاد احیاء آن با صراحت و شفافیت بیشتر، پرداخته می‌شود.

۱.۲. طرق فوق العاده اعتراض به آراء در قوانین

عدالت بشری، هیچ گاه از خطا مصون نیست. طرق فوق العاده اعتراض به آراء به این منظور از سوی قانون‌گذار پیش‌بینی شده است تا رأی دادگاه ها، از خطای احتمالی، مصون بماند. (یوسفیان و رسولی، ۱۳۹۲: ۲۴۹) به طور کلی اعاده دادرسی نسبت به آراء یکی از حقوق اصحاب دعوا در کشور ماست که در موارد اضطراری و فوق العاده می‌تواند به فریاد صاحب حق برسد. اعاده دادرسی و دیگر طرق فوق العاده شکایت از آراء استثنایی بر قاعده امر قضاوت شده محسوب می‌گردد، زیرا اگر مفهوم اعتبار قضاوت شده پایان دادن به اختلافات باشد، اعتراض بر حکم با این غرض مبیئت دارد. تفاوتی نیست در این که دعوی مجدداً اقامه گردد و یا با اعتراض بر

۱. اعاده دادرسی در امور حقوقی نیز در مواد ۴۲۶ تا ۴۴۱ ق.آ.د.م پیش‌بینی گردیده است.

حکمی که از اعتبار امر قضاوت شده برخوردار شده است، زخم التیام یافته تازه گردد. بعضی از حقوقدانان در همین خصوص معتقدند در شرایطی می‌توان امر مختومه را قاعده لایتغیر و صددرصد قطعی دانست که بطور مطلق امکان وجود اشتباه برای قاضی یا قضا متصور نباشد در اینصورت قبول اعاده دادرسی بحاکمیت امر مختومه لطمه وارد می‌آورد و از اهمیت آن می‌کاهد. ولی اگر معتقد باشیم قاضی هم ممکن است اشتباه کند در اینصورت؛ اعاده دادرسی اصولاً از اهمیت اعتبار امر مختوم نمی‌کاهد، بلکه به‌عنوان استثنایی بر اصل پذیرفته شده و برای رفع اشتباه و به منظور التیام بین قاعده اعتبار امر قضاوت شده و اجرای عدالت مورد استفاده قرار می‌گیرد» بنابراین عدالت ورزی، اعاده دادرسی را توجیه می‌نماید اما باید پذیرفت که این عدالت در کنار نظم عمومی قرار دارد و مطلق نیست. نظم حکم می‌کند در کنار عدالت، رسیدگی روزی پایان یابد و خصومت فیصله یابد. تجربه نشان داده است؛ محکوم علیه معمولاً به حکم تن نمی‌دهد و همواره در پی آن است تا به طریقی تاخیر در اجرای حکم یا نقض آن را دنبال کند، بنابراین طرق فوق العاده اعتراض به آراء قطعی، می‌بایست؛ محدود و با پیش‌بینی دقیق و صریح شرایط و ضوابط، وضع گردد. (رشیدی، آل‌بویه و افشارنیا، ۱۴۰۱)

۱.۱.۲. ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری

اعاده دادرسی براساس ماده ۴۷۴ ق.آ.د.ک، ساز و کاری است که محکومان از آن برای اثبات بی‌گناهی خود استفاده می‌کنند.^۲ مطابق با این ماده و مواد بعدی قانون مورد اشاره، استفاده از سازوکار اعاده دادرسی منوط به وجود شرایطی است: اولاً) جهات مزبور حصری هستند. ثانیاً) فقط محکومان آراء قطعی می‌توانند اعمال آن را تقاضا کنند. ثالثاً) محدودیت زمانی ندارد. (خالقی، ۱۳۸۸)

تقریباً همه جهات ماده مذکور، مربوط به ادله‌ای می‌شوند که در زمان محاکمه وجود نداشته‌اند و یا جعلی بودن آنها بعداً مشخص شده است. با این وجود، مشخص نیست منطق این که ادله قابل استناد، محدود به جهات مقرر شده اند، چیست. قانون‌گذار به رغم آنکه در مقام بیان ادله جعلی بوده است، صرفاً به دلیل شهادت گواهان و سند اشاره کرده است. در حالی که همین ابهام، در خصوص نظریه کارشناسی نادرست و غیرواقع که در نتیجه یک تعامل فاسد صادر شده و کارشناس به اخذ رشوه در آن محکوم شده و یاصورت جلسه ای که برخلاف اظهار طرف پرونده کتابت شده و جعل معنوی آن اثبات شده، نیز وجود دارد.

۱. نگاه کنید به: رسائی نیا، ناصر (۱۳۸۹). آیا با قبول اعاده دادرسی از واقعیت و اعتبار امر مختومه کاسته می‌شود؟، مجله مهنانه قضایی، زراعت، عباس، (۱۳۸۶) اعاده دادرسی در امور کیفری، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۱۰۵ تا ۱۲۹، قضایی، حیدری، مسعود، میرهاشمی، لطف اله، شادمانفر، محمدرضا، یوسف زاده، علی (۱۳۹۸) طرق فوق العاده اعتراض به آراء کیفری در حقوق ایران و مقایسه آن با حقوق کامن، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، میرکمالی، سیدعلیرضا، کاظمی، سیدمهدی، (۱۳۹۶) بررسی تحلیلی اعاده دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۹، صص ۶۱-۹۷، حیاتی، علی عباس، (۱۳۸۷) اعاده دادرسی، میزان، چاپ اول. خالقی، علی، (۱۳۹۳) آیین دادرسی کیفری، شهر دانش، چاپ دوم. سپهوند، امیر، (۱۳۸۱) اعاده دادرسی در قوانین کیفری، ماهنامه دادرسی شماره ۳۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶) اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، دادگستر، چاپ اول

۲. درخواست اعاده دادرسی در مورد احکام محکومیت قطعی دادگاه‌ها اعم از آنکه حکم مذکور به اجراء گذاشته شده یا نشده باشد در موارد زیر پذیرفته می‌شود: الف- کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شود و سپس زنده بودن وی محرز گردد. ب- چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به گونه ای باشد که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قائل شد. پ- شخصی به علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضائی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از آنان احراز گردد. د- درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شود. ه- در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است. ج- پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم علیه یا عدم تقصیر وی باشد. چ- عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد.

به رغم اینکه «حصری بودن این موارد به دلیل استثنایی بودن اعاده دادرسی و نقض قاعده اعتبار امر مختوم کیفری است» ولی شاید بتوان با توجه به شکلی بودن ماهیت ماده مزبور و امکان تفسیر موسع در این موارد،^۲ با استناد به بندهای ث و ج دعوا را در صورت اثبات ساختگی و یا خلاف واقع بودن سایر ادله و مدارک استماع و حکم بر بی گناهی داد. همان گونه که مصاحبه شونده شماره ۱۳ وکیل دادگستری با ۲۰ سال سابقه از پرونده خود مثال می زند: «در یک پرونده ای که مربوط به مشارکت در کلاهبرداری و جعل رایانه بود شخصی که نقش اصلی در پرونده داشت با پرداخت رشوه به هیات سه نفری کارشناسی که مستند حکم صادره بود، از مجازات رها و موکل بنده به عنوان متهم اصلی محکوم شده بود. در زمانی که ایشان محکومیت خود را سپری می کرد، اخذ رشوه کارشناس در پرونده ثابت شد که پس از آن ما نسبت به حکم محکومیت موکل درخواست اعاده دادرسی نمودیم که شعب ویژه به استناد خلاف بودن گزارش کارشناسی با درخواست اعاده موافقت نمود.»

در پرونده مطالعه شده شماره ۴؛ متقاضی ماده ۴۷۴ طی دادنامه صادره به اتهام مشارکت در اخلاص عمده در نظام اقتصادی کشور از مجرای مشارکت در ۷ فقره خیانت در امانت و تحصیل مال نامشروع که منطبق با به اتهام مشارکت در اخلاص در نظام اقتصادی کشور تلقی شده، محکوم گردیده است. ایشان با بیان اینکه رای دادگاه برخلاف قانون و بدون توجه به دلایل ابرازی و عمدتاً متأثر از گزارش های ناقص، مخدوش نادرست و غیرکارشناسی برخی از ضابطان قضایی که خود ذینفع بودند و بعضاً به خاطر تخلف بازداشت شدند که چرا مسیر پرونده را منحرف کرده اند محکوم شده، تقاضای خود را با بندهای ب و ت و ث و ج و چ منطبق دانسته است و تقاضای اعاده دادرسی نموده است. شعبه با بررسی پرونده و با تصریح به اینکه اولاً مطابق ماده یک و ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، دادرسی باید مطابق و مستند به قانون انجام شود. ثانیاً: مطابق بند یک قانون احترام به آزادی های مشروع هرگونه اعمال سلايق شخصی در دادرسی ممنوع است. ثالثاً هرگاه جمع آوری دلایل به طریق غیر قانونی انجام شود، مطابق مفاد مذکور در ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ۲ ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی و اصل ۳۸ قانون اساسی فاقد اعتبار است (هرسه بند مربوط به رفتارهای فاسد ضابطان دادگستری و کارشناسان پرونده می باشد) و دو بند دیگر که مربوط به عنوان مجرمانه انطباقی بود، این تقاضا را مورد پذیرش قرار داده است. هرچند که در نهایت شعبه ویژه به استناد بند چ ماده ۴۷۴ اعاده دادرسی را تجویز نموده لیکن در اسباب توجیهی خود به صراحت رفتارهای فاسد ضابطان را در نقض حکم، تصریح نموده است.

مشکل عمده نظام اعاده دادرسی، محدودیت ها و موانع قانونی متعدد آن است، به گونه ای که همانگونه که ذکر شد؛ این طرق منحصر به محکومان بوده و شامل اشخاصی که به جهت نقض دادرسی عادلانه از طرف مقام قضایی رسیدگی کننده از حق خویش محروم شده اند، نمی شود. بنابراین در صورت اثبات وجود تعامل فاسد در پرونده امر از طریق محکومیت مقام رسمی به ارتشا و یا اعمال نفوذ (در صورت انطباق عمل بر آنها)، که می تواند به عنوان ادله جدیدی تلقی و قرینه ای بر ناعادلانه بودن حکم صادره باشد، صرفاً به دلیل اینکه این روش برای محکومان، پیش بینی شده و شامل شکات پرونده نمی شود، نمی توانند درخواست اعاده دادرسی موضوع ماده ۴۷۴ را مطرح نمود.^۳

۱. همان و زراعت، عباس، (۱۳۸۶) اعاده دادرسی در امور کیفری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۴.

۲. البته حتی می توان گفت پیش از تمسک به قاعده امکان تفسیر موسع قوانین شکلی، تفسیر منطقی نیز در این خصوص کارساز باشد. همانگونه که گفتیم، فلسفه اعاده دادرسی نقض احکام محکومیتی است که بر اساس ادله جعلی و نادرست صادر شده است. بنابراین، استثناء کردن برخی از ادله خارج از منطق حقوقی ماده مزبور است. جهت ملاحظه نظریاتی که قایل به امکان تفسیر موسع قوانین شکلی هستند. نک: اردبیلی، محمد علی، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، ویراست دوم، چاپ سی و یکم، تهران، میزان.

۳. علاوه بر این باید ذکر نمود که اثبات چنین اعمالی با توجه به پنهانی بودن تعامل و قدرت طرفین در نحوه انجام آن و در بیشتر مواقع نبود ادله و مدرکی بر اثبات آن، بعید و دور از انتظار است. از طرف دیگر جدای اثبات این سورتاها تمسک به آن برای نقض حکم صادره با ماده پیش گفته؛ با توجه به عدم صراحت قانون و همچنین استثنائی بودن رسیدگی مجدد به احکام قطعی به دلیل قاعده اعتبار امر مختومه و لزوم حفظ نظم نیز دشوار خواهد بود. بنگرید به: -واحدی، قدرت الله (۱۳۸۶). حقوق بین الملل کیفری، انتشار جنگل، تهران.

از طرف دیگر در بسیاری از پرونده‌ها ممکن است فرد، به دلیل موانع شکلی، مانند محصور بودن جهات طرح ادعای خود، نتواند از این ساز و کار استفاده کند. دیوان عالی کشور در آراء متعددی با استناد به همین موانع و محدودیت‌ها درخواست اعاده را رد کرده است. برای نمونه، رجوع از شهادتی که شاهد پس از قطعیت حکم و به موجب اقرارنامه رسمی به عمل آورده بود را از جهات اعاده ندانسته است. یا در رای دیگری، رجوع شاهد از شهادت را زمانی موجب پذیرش اعاده دانسته که کذب بودن آن در دادگاه دیگری ثابت شود؛ ولو آنکه شخص شاهد به کذب بودن گواهی خود مقرر باشد.^۱

۲.۱.۲. ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری

براساس ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک در صورت خلاف شرع بین بودن آراء قطعی، با تجویز اعاده دادرسی توسط رئیس قوه قضائیه پرونده به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر گردد. اعاده دادرسی به جهت خلاف شرع بین بودن، بر خلاف اعاده دادرسی عادی، هم شامل محکومان و هم شکات و درواقع تمام اشخاصی که از حکم صادره متضرر شده‌اند، می‌شود.^۲ در واقع، همانند کشورهای همچون آلمان، هم اعاده دادرسی به نفع محکوم و هم به ضرر او پیش‌بینی شده است.^۳ اعاده دادرسی به ضرر محکوم، بر مبنای این ایده استوار است که خطای قضایی در اجرای عدالت، اعم از به ضرر یا نفع متهم و محکوم باید اصلاح شود. گفتنی است که رئیس قوه قضائیه و به تبع ایشان، قضات مرتبط با بررسی درخواست^۴ تجویز اعاده دادرسی، صلاحیت نامحدود دارند؛ بدین معنا که می‌توانند خلاف شرع بین بودن رأی صادره را به جهت یا جهت دیگری که اساساً مدنظر متقاضی اعاده دادرسی نبوده، مورد بررسی قرار دهند.^۵ در واقع پایان متن ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک گویای یک رسیدگی همه جانبه است.

مرز دقیقی میان شرع و قانون وجود ندارد و با لحاظ قاعده «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل» و نیز اصل مطابقت قوانین با شرع، هر محکوم علیه که قانون به ادعا یا تصور او یا حقیقتاً درمورد پرونده وی رعایت نشده است، مدعی می‌شود که شرع رعایت نشده و به این شیوه از اعاده دادرسی متوسل می‌شود.

یکی از استدلال‌هایی که در امکان توسل به ماده فوق جهت نقض آراء صادره ناشی از تعاملات فاسدی که در نتیجه رسیدگی‌های انتظامی یا کیفری اثبات شده، مطرح می‌شود، فقدان صلاحیت قضایی رسیدگی کننده به این پرونده هاست. در واقع عدالت یکی از شرایط و اوصاف لازم برای احراز منصب مهم قضاوت از دیدگاه اسلام است. تعیین شرط عدالت در قاضی برگرفته از فقه امامیه بوده و فقهای امامیه در تعریف عدالت اقوال متعدد داشته‌اند، لیکن از نظر قول مشهور فقها، عدالت؛ به معنای ترک گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره است (صوفی‌آبادی، ۱۳۸۸). بر این اساس، چنانچه قاضی رسیدگی کننده به پرونده، با انجام تعاملات فاسد و نقض اصول دادرسی عادلانه، رأیی صادر نماید و بعدها به هر دلیل تحت پیگرد قانونی قرار گرفته و اتهامات او در محاکم بدوی، تجدیدنظر یا دادگستری قطعی گردد، می‌توان به استناد فقدان عدالت و صلاحیت شخصی – که از شرایط احراز قضاوت در فقه اسلامی است – احکام صادره توسط این قاضی را، به شرط اینکه او تنها قاضی مؤثر در صدور رأی بوده باشد، مشمول اعاده دادرسی دانست.

۱. مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور، (۱۳۹۳)، چاپ نخست، انتشارات پژوهشگاه قوه قضائیه، تهران. صص ۴۹-۵۱.

۲. این نوع از اعاده دادرسی نخستین بار در ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحیه ۱۳۸۱ بنا گذاشته شد.

۳. با این تفاوت که در قانون ایران تنها جهتی که ممکن است موجب نقض حکم قطعی بی گناهی شود، خلاف بین شرع بودن است؛ در حالی که در قانون آیین دادرسی کیفری آلمان جهات دیگری مانند اثبات جعلیت یا نادرستی ادله پیشین موجب نقض بی گناهی و رسیدگی مجدد محسوب می‌شوند. بنگرید

به: German Code of Criminal Procedure, section 362. available at: http://www.gesetzeiminternet.de/englisch_stpo

۴. به موجب تبصره ۳ ماده ۴۷۷، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و رئیس کل دادگستری استان مقاماتی هستند که می‌توانند در صورت تشخیص خلاف بین شرع بودن آراء حقوقی و کیفری، مراتب اعمال مفاد ماده را از رئیس قوه قضائیه تقاضا کنند.

۵. رک: پرونده کلاسه ۹۷/۰۰۰۲ شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی تهران ویژه اقتصادی که در آن دادستان تهران برای دو نفر تقاضای تجویز اعاده دادرسی کرده، ولی معاونت قضائی قوه قضائیه برای ده نفر تقاضای تجویز اعاده دادرسی در اجرای مفاد ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک کرده است.

این بازنگری می‌تواند بر مبنای خلاف شرع بودن حکم صادره به دلیل فقدان شرایط شرعی و صلاحیت قانونی قاضی انجام گیرد. همسوبا این نظر برخی از حقوق‌دندان^۱ نیز تمسک به ماده فوق را با توجه به وسعت آن، راهی برای بازنگری چنین احکامی دانسته‌اند و در توجیه نظر خویش ضمن اشاره به بند ج و تبصره ۵ ماده ۲۳۵، مواد ۲۴۰ و ۲۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در خصوص امکان تجدیدنظرخواهی و نقض رای به جهت عدم صلاحیت قاضی رسیدگی کننده، به مواد ۴۳۰ و ۴۳۴ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲ نیز که امکان تجدیدنظرخواهی به همان جهت عدم صلاحیت قاضی اشاره دارند، پرداخته و معتقد بودن که مواد مذکور در خصوص پرونده‌های جاری قابل استناد بوده و در واقع اشخاص در صورت اثبات فساد قاضی می‌توانند با توسل به مواد فوق از رای صادره تجدیدنظرخواهی نمایند. در خصوص پرونده‌های مختومه و آراء قطعی صادره نیز مورد را مشمول ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری دانسته و در توجیه این استدلال چنین اظهار نمودند که: «فساد قاضی صادر کننده رای یکی از مصادیق خلاف شرع بین موضوع ماده ۴۷۷ است. چون از نظر فقهی یکی از شرایط تصدی منصب قضا سلامت نفس و عدالت است و قاضی فاسد قطعاً از وصف عدالت خارج می‌شود و به این اعتبار نمی‌توان به رأی صادر شده از طرف او اعتبار بخشید.»

حقوق‌دان دیگری نیز، درباره سرنوشت آرای که قبلاً قضات فاسد صادر کرده‌اند و اینکه آیا امکان بازنگری در این آرا وجود دارد؟ چنین بیان نمودند: در قانون ما راهکار مشخصی در این زمینه پیش‌بینی نشده است و تنها راهکار آن اعمال ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک. و اختیارات رییس قوه قضاییه است که اگر احراز شود آرای صادره خلاف بین شرع است؛ دستور رسیدگی مجدد به شعب دیوان را صادر می‌کند. ایشان افزودند: زمانی که یک قاضی در معرض اتهامی قرار می‌گیرد، اگر اتهام او اثبات شود، همانطور که دادگاه عالی انتظامی قضات به تخلفات این قضات رسیدگی می‌کند و از آنها سلب صلاحیت می‌کند؛ این امکان وجود دارد که از پتانسیل قانونی استفاده کنیم و یا دادگاه عالی انتظامی قضات گزارشی از عملکرد این قضات را در پرونده‌ها تهیه و ارائه کند یا اگر این امکان وجود ندارد، هیات خاص یا کمیسیون خاصی از طرف رییس قوه قضاییه همانطور که پرونده‌ها را به صورت سالانه بررسی می‌کنند؛ به این پرونده‌ها که این قضات متخلف قبلاً رسیدگی کردند؛ حداقل چند سال منتهی به تعلیق این قضات، رسیدگی کنند و گزارش آن را تهیه کنند و اگر تخلفی هست و یا اگر وضعیت خاصی است که این آرا از مدار عدالت خارج است؛ آن را به رییس قوه قضاییه ارائه دهند تا رییس قوه قضاییه هم از اختیارات ویژه‌اش استفاده کند.^۲ یکی از نمونه‌های تاریخی اعمال اختیارات ویژه در زمینه بازنگری در احکام قطعی، دستور حضرت امام خمینی(ره) به آقای رازینی مبنی بر رسیدگی مجدد به کلیه احکام صادره از سوی قاضی خلخالی بود؛ دستوری که در نتیجه اجرای آن، بسیاری از احکام پیشین مورد تعدیل یا اصلاح قرار گرفت. این اقدام را می‌توان از مصادیق بارز استفاده از اختیارات فوق‌العاده در راستای تضمین عدالت قضایی و جلوگیری از استمرار آثار احکام متأثر از نقض موازین قانونی دانست.^۳

در تأیید نظرات فوق، مصاحبه شونده شماره ۵ بازپرس دادسرای ویژه از تجربه خود در این خصوص چنین بیان داشته است: «در پرونده ای گزارش‌های متعددی از اخذ رشوه و اعمال نفوذ در پرونده‌ها با مبالغ کلان و چشم‌گیر توسط قاضی دادگستری ارائه شده بود. با توجه به صحت گزارش‌های کتابت شده، پرونده کیفری علیه این قاضی با اتهام‌های متعدد در یک شعبه از دادسرا مطرح شد، لیکن در این شعبه نیز شخص مذکور با اعمال نفوذ و پرداخت رشوه به بازپرس پرونده، موفق به اخذ قرار منع تعقیب در خصوص خود شد، و این قرار نیز قطعی گردید. هرچند که در خصوص سایر اشخاص پرونده قرار جلب به دادرسی صادر شده بود. با توجه به پیگیری مقامات ناظر و اطلاع از صدور چنین قرارهای باوجود گزارش‌های موثق و ادله اثبات جرم، معاون محترم دادستان این دادسرا، پرونده‌ی دیگری علیه بازپرس به اتهام اخذ رشوه از طرف قاضی مورد نظر طرح نمود که منجر به محکومیت بازپرس گردید.

۱. سنگدل، اعظم (۱۳۹۹/۰۴/۱۴)، «رحمدل: فساد قضایی صادرکننده رای از مصادیق خلاف شرع بین است» (۱۴۰۳/۱۰/۰۹)

<https://www.isna.ir/news/99041108619>

۲. رجوع شود به نظر دکتر عباس تدین منتشر شده در: «سرنوشت پرونده‌ها و احکام صادره از سوی قضات در صورت احراز فسادشان چه می‌شود؟ سایه شک

بر سر عدالت قاضی فاسد» (۱۳۹۹/۰۴/۰۸) <https://www.pishkhan.com/news/185210>

۳. «روایت شهید رازینی از بررسی مجدد پرونده‌هایی با قضاوت خلخالی: بسیاری از احکام خفیف‌تر شد» <https://www.jahannews.com/video/913606>

پس از این امر معاون دادستان دستور کتابت درخواست اعمال ماده ۴۷۷ را به خود بنده دادند که من نیز متن مربوطه را با ادله موجود تنظیم و از طریق مقامات صالح به خدمت رئیس قوه قضائیه ارسال کردیم و نهایتاً قرار منع تعقیب صادره به دلیل اخذ رشوه مقام قضایی رسیدگی کننده و عدم صلاحیت ایشان، نقض گردید و قاضی مربوطه مجدد تحت تعقیب و تحقیق قرار گرفت و به اخذ چندین فقره رشوه و اعمال نفوذهای متعدد محکوم گردید.» و یا در پرونده مورد مطالعه شماره ۶؛ «شخصی ادعای مالکیت نسبت به چندین زمین متصل به فرودگاه امام را نموده و نسبت به طرح دعوی به طرفیت یکی از سازمانهای دولتی متولی امر مطرح می‌نماید که در دادگاه بدوی رای علیه این شخص صادر لیکن با اعتراض ایشان دعوی در دادگاه تجدیدنظر مطرح و رای به نفع نامبرده صادر می‌گردد. بعدها محرز می‌گردد؛ قاضی تجدیدنظر ۳۰۰ سکه تمام بهار آزادی از نامبرده (به واسطه یک وکیل دادگستری) اخذ نموده و رای مربوطه را صادر نموده است. پس از این امر دادگاه عالی انتظامی قرار تعلیق قاضی پرونده را صادر و پرونده ایشان در مرجع کیفری صالح مطرح و منجر به اثبات امر و محکومیت به اخذ رشوه می‌گردد. که در نتیجه این امر سازمان دولتی متضرر، با استناد به حکم محکومیت کیفری، درخواست اعمال ماده ۴۷۷ را نسبت به حکم صادره نموده و در نهایت موفق به نقض رای صادره گردید.»

هرچند استدلال مبتنی بر عدم صلاحیت قاضی و توسل به ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری در جهت نقض آراء صادره از سوی قضات فاسد، با هدف احیای عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص زیان دیده مطرح می‌شود، لیکن تمسک به این ماده صرفاً بر مبنای عدم صلاحیت قاضی، با توجه به اطلاق و کلیت آن، تفسیر موسع از نهاد اعاده دادرسی خاص بوده که در تعارض کامل با اصل اعتبار امر مختومه و استثنایی و محدود بودن نهاد اعاده دادرسی نسبت به احکام قطعی، تراحم با نظم عمومی و زمینه‌ساز سوءاستفاده گسترده اشخاص از این نهاد می‌باشد.

از سوی دیگر، ممکن است قاضی از حیث صلاحیت شخصی یا رفتاری واجد ایراد باشد، لیکن رأی صادره از وی منطبق با موازین قانونی و اصول مسلم حقوقی و متناسب با اوضاع و احوال پرونده صادر شود.

با این وصف، چنانچه این استدلال با وضع ضوابط دقیق از جمله: لزوم احراز تحقق فساد مؤثر، تعیین مصادیق رفتارهای قضایی مشمول فساد، اثبات رابطه مستقیم میان فساد ارتكابی و رأی صادره، مقید گردد، می‌توان ایرادات مزبور را تا حدودی مرتفع و کارکرد اصلاحی آن را در راستای تحقق عدالت قضایی تقویت نمود.

۲.۲. تبصره ۲ و ۵ ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸:

هرچند قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به موجب ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نسخ گردیده است، لیکن تبصره‌های (۲) و (۵) ماده ۲۳۵ قانون سابق، به دلیل پیشینه تاریخی آن در زمینه امکان تجدیدنظر و بازنگری در احکام قطعی صادره، و نیز به لحاظ ارتباط محتوایی با موضوع مقاله حاضر و ضرورت بررسی امکان احیای آن با شرایط و مقتضیات کنونی، در ادامه مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد.

۱.۲.۲. تبصره ۲:

ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸: آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد زیر نقض می‌گردد:

الف) قاضی صادر کننده متوجه اشتباه خود شود ب) قاضی دیگری پی به اشتباه رأی صادره ببرد به نحوی که اگر به قاضی صادر کننده رأی تذکر دهد متنبه شود ج) قاضی صادر کننده رأی صلاحیت رسیدگی را نداشته باشد .

تبصره ۲ - در صورتیکه دادگاه انتظامی قضات، تخلف قاضی را مؤثر در حکم صادره تشخیص دهد، مراتب را به دادستان کل کشور اعلام می‌کند تا به اعمال مقررات این ماده اقدام نماید.

با توجه به تبصره ۲ این ماده، می‌توان گفت در صورتی که ادعای تخلف قضایی از جمله نقض بی طرفی، دریافت وجه، عدم اخذ مدارک و مستندات طرفین و یا خارج کردن مستندات و لوایح از پرونده از طرف قضایی رسیدگی کننده^۱ (که از مصادیق تعاملات فاسدهستند) در دادگاه انتظامی قضات اثبات و این مرجع آن را موثر در حکم صادره تشخیص می‌داد، مراتب به دادستان کل کشور اعلام تا حکم مورد نظر نقض گردد. مشابه همین ماده، در قانون آیین دادرسی مدنی ماده ۳۲۶ و تبصره ۲ آن پیش‌بینی گردیده بود.^۲

۲.۲.۲. تبصره ۵:

تبصره ۵ - در صورتی که عدم صلاحیت قضایی صادر کننده رأی ادعا شود، مرجع تجدیدنظر ابتداء به اصل ادعا رسیدگی و در صورت احراز، رأی را نقض و دوباره رسیدگی خواهد کرد.

موارد عدم صلاحیت قضایی به شرح ذیل قابل تفکیک است:

اول: عدم صلاحیت قضایی، به علت عدم صلاحیت دادگاهی که قضایی در مصدر آن حکم صادر نموده است؛ به‌عنوان مثال قضایی دادگاه عمومی در خصوص جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر که در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است، رأی صادر نماید. دوم: عدم صلاحیت قضایی به علت وجود جهات رد: گاهی دادگاهی که پرونده در آن مطرح است صلاحیت ذاتی و محلی جهت رسیدگی به موضوع مطرح شده و صدور حکم نسبت به آن را دارد، اما قضایی که در راس آن دادگاه می‌باشد به عللی از جمله داشتن قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه با یکی از طرفین دعوا یا اشخاص دخیل در امر جزایی (مثل شهود) یا داشتن نفع شخصی، صلاحیت شخصی جهت رسیدگی به آن پرونده را ندارد. جهات رد دادرسی در ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک احصا گردیده است. سوم: عدم صلاحیت قضایی به علت عدم وجود شرایط لازم جهت احراز منصب قضاوت: بدین معنی که فرد صادر کننده حکم به دلایلی از جمله عدم ایمان و عدالت اصلاً صلاحیت قضاوت را ندارد.

از آنجا که تشخیص عدم صلاحیت از نوع سوم صرفاً بر عهده دادگاه عالی انتظامی قضات است، به نظر می‌رسد؛ هیچ قضایی نمی‌توانست، به استناد عدم وجود شرایط قضا در قضایی دیگر، نسبت به حکم وی اعلام اشتباه نماید. (اسدی، ۱۳۸۱) با این وجود پیش‌بینی عدم صلاحیت قضایی از جهات تجدیدنظر در این ماده نشانگر توجه قانون‌گذار به صلاحیت قضایی رسیدگی کننده بوده است. صلاحیتی که قطع به یقین با اثبات فساد قضایی و تأثیر آن در صدور حکم، زایل گردیده است. در اینجا خالی از فایده نیست که به قانون کشور رومانی که مشابه تبصره ۲ ماده بالا را به‌صورت کامل تر تصریح نموده و می‌تواند در جهت نص ماده ای در این خصوص راهنما باشد، اشاره ای بکنیم. در قانون آیین دادرسی کیفری کشور رومانی تصریح شده است که درخواست تجدید نظر در حکم قطعی زمانی مجاز است که یکی از اعضای هیأت قضات، دادستان یا کارمندی که تحقیقات کیفری را انجام داده است، جرمی را در خصوص پرونده ای که تجدید نظر در آن اعمال می‌شود، مرتکب شود، مشروط بر اینکه این جرایم منجر به صدور حکم غیرقانونی یا بی اساس شده باشد.^۳

۱. مواد ۱۴ تا ۱۸ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷

۲. متن سابق ماده ۳۲۶ ق.آ.د.م: آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب در موارد زیر نقض می‌گردد: الف - قضایی صادرکننده رأی متوجه اشتباه خود شود. ب - قضایی دیگری پی به اشتباه رأی صادره ببرد به‌نحوی که اگر به قضایی صادرکننده رأی تذکر دهد، متنبه شود. ج - دادگاه صادرکننده رأی یا قضایی، صلاحیت رسیدگی را نداشته‌اند و یا بعداً کشف شود که قضایی فاقد صلاحیت برای رسیدگی بوده است. تبصره ۱ - منظور از قضایی دیگر مذکور در بند (ب) عبارت است از رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس حوزه قضایی و یا هر قضایی دیگری که طبق مقررات قانونی پرونده تحت نظر او قرار می‌گیرد. تبصره ۲ - در صورتی که دادگاه انتظامی قضات تخلف قضایی را مؤثر در حکم صادره تشخیص دهد مراتب را به دادستان کل کشور اعلام می‌کند تا به اعمال مقررات این ماده اقدام نماید. این ماده به موجب ماده ۳۹ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب الحاقی ۱۳۸۱/۷/۲۸ صریحاً نسخ گردیده است.

۳. ماده ۳۹۴ ق.آ.د.ک. رومانی: الف) اقدامات یا شرایط جدیدی رخ داده‌اند که دادگاه هنگام رسیدگی به پرونده آن‌ها را اعلام نکرده است؛ ب) یک شاهد، کارشناس یا مترجم مرتکب جرم شهادت دروغ در پرونده مورد بازبینی شده است؛ ج) سند مکتوبی که مبنای تصمیم بازبینی قرار گرفته، بعداً جعلی اعلام شده است؛ د) یکی از اعضای هیئت قضات، دادستان یا شخصی که جرم را مورد تحقیق قرار داده، در ارتباط با پرونده مورد بازبینی مرتکب جرم شده است؛ ه) زمانی که دو یا چند رأی نهایی دادگاه با یکدیگر قابل تطبیق و سازگاری نباشند، پرونده‌ی ذکرشده در بند الف، دلیل موجهی برای بازبینی محسوب می‌شود.

همچنین قانون آیین دادرسی مدنی این کشور نیز تصریح شده است؛ تجدید نظر در حکمی که قطعی است، منجر به نقض حکم خواهد شد؛ در صورتی که قاضی، شاهد یا کارشناس که در محاکمه شرکت کرده است، محکوم به جرم مربوط به آن پرونده شده یا در صورتی که قاضی برای انجام وظایف رسمی در آن پرونده با سوء نیت یا با سهل انگاری شدید مورد تعقیب انتظامی و محکوم به آن شده باشد. بنابراین محکومیت قاضی به جرم و یا تخلف انتظامی در خصوص یک پرونده، امکان تجدیدنظر و رسیدگی مجدد به آن پرونده را ممکن خواهد کرد. (Danileț & Vasilescu, 2010: 177)

با عنایت به موارد پیش‌بینی شده در قوانین جاری و همچنین مواد نسخ شده در قوانین سابق، به نظر می‌رسد، پیش‌بینی، بندی در جهات اعاده دادرسی با مضمونی مشابه تبصره ۲ مواد ۲۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و ۲۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی با تصریح به شرایط جامع و کامل نحوه اثبات جرم یا تخلف قاضی و تأثیر آن در حکم صادره، با الهام از قانون سایر کشورها در این زمینه، می‌تواند متضررین از فساد قضایی را به احیای عدالت از دست رفته امیدوار کند. البته این امر می‌بایست؛ همچون ماده ۴۷۷ اعم از محکوم و غیر آن باشد. چراکه در بسیاری از موارد تعامل فاسد، شخص شاکی را از حقوق حقه خود محروم می‌سازد. هرچند پیش‌بینی چنین بندی در مقررات مربوط به اعاده دادرسی، در بدو امر ممکن است؛ موجب ایجاد بالاتکلیفی در آراء قطعی و تزلزل در ثبات احکام قضایی گردد؛ زیرا احتمال تمسک اشخاص به ادعای فساد قضایی می‌تواند اجرای احکام را معطل سازد، با این حال، الزام به اثبات تحقق فساد، احراز ارتباط مستقیم آن با رأی صادره و تکلیف مدعی به اثبات این موارد، می‌تواند از بروز سوءاستفاده جلوگیری کرده و مانع تمسک واهی به این نهاد گردد. بدیهی است؛ عدالت قضایی و وجدان جمعی جامعه بشری نیز اقتضا دارد که حکمی که در نتیجه فساد قاضی صادر شده است، مورد بازنگری قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

این مطالعه نشان می‌دهد که فساد در فرایند دادرسی می‌تواند منجر به صدور احکام غیرقانونی و ناعادلانه شود. با این حال، نظام حقوقی ایران فاقد مقرراتی صریح و جامع برای بازنگری و نقض چنین احکامی است. اگرچه نهادهایی مانند اعاده دادرسی در مواد ۴۷۴ و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده‌اند، اما محدودیت‌های شکلی، عدم شمول اعاده دادرسی خاص بر تمام متضرران، ابهام در مصادیق «خلاف بین شرع» و همچنین تعیین تکلیف در خصوص فقدان صلاحیت قاضی در صورت وجود فساد، عدم وجود رویه قضایی واحد در پذیرش این مبنا، همگی تمسک به مواد یادشده را برای متضررین از احکام غیرقانونی دشوار ساخته و مانعی جدی در تحقق کامل عدالت ایجاد نموده است. لذا، برای جبران این خلاء قانونی، پیشنهاد می‌شود بندی به مواد اعاده دادرسی افزوده شود که امکان بازنگری در احکام غیرقانونی ناشی از فساد مؤثر قاضی را فراهم کند. این بند، مشابه تبصره ۲ ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، باید با پیش‌بینی شرایط اثبات فساد قاضی، احراز ارتباط آن با پرونده و تأثیر آن در رأی صادره، تدوین گردد. چنین اقدامی می‌تواند گامی مؤثر در ارتقای شفافیت، تضمین عدالت قضایی و بازگرداندن اعتماد عمومی به قوه قضائیه باشد و از استمرار آثار سوء ناشی از فساد قضایی جلوگیری کند.

References:

- Analysis of the Criminal Justice System's Response to Corruption (Bosnia and Herzegovina) Technical Report · January 2017.
- Anyschenko, A. (2010). Transformation of the Ukrainian public prosecution according to the European democratic standards in comparison with the Baltic states (Master's thesis, University of Twente).

اگر با توجه به اقدامات و شرایط جدید، تصمیم صادرشده درباره بازگشت به روند دادرسی، پایان محاکمه یا محکومیت، غیرمنطقی باشد. موارد ذکرشده در بندهای ب، ج و د، زمانی دلیل بازبینی محسوب می‌شوند که منجر به صدور رأی غیرقانونی یا غیرمنطقی شده باشند. در مورد ذکرشده در بند هـ تمامی تصمیماتی که با یکدیگر ناسازگار هستند، مشمول بازبینی می‌شوند.

- Arvidson, A. and Folkesson, E., 2010. Corruption in the Judiciary: Balancing Accountability and Judicial Independence. Örebro University. Department of Law, Psychology and Social .
- Ayers, I. (1997). The Twin Faces of Judicial Corruption: Extortion and Bribery. Yale Law School Scholarship Repository Paper 1500, 1(1), 1213–1253
- Balko, R. (2013). The untouchables: America's misbehaving prosecutors, and the system that protects them. Huffington Post, 8(01), 2013..
- Benson, B.L., (1988). An institutional explanation for corruption of criminal justice officials. Cato J., 8, p.139.
- Braimah, A. I. (2016). Are Judges Corrupt? An Empirical Analysis of the Ghana Judiciary. Journal of Humanities and Social Science, 21(8), 12–21
- Brooks, G., Walsh, D., Lewis, C., & Kim, H. (2013). Preventing corruption: Investigation, enforcement and governance. Springer..
- Brooks, G. (2019). Criminal justice and corruption. State power, privatization and legi..
- Brooks, G. (2016). Criminology of corruption. London, UK: Palgrave Macmillan. doi, 10, 978-1.
- Burkhardt, B. C. (2014). Private prisons in public discourse: Measuring moral legitimacy. Sociological Focus, 47(4), 279-298..
- Buscaglia, E. (2001). An analysis of judicial corruption and its causes: An objective governing-based approach. International review of law and economics, 21(2), 233-249.
- Buscaglia, E., and S. G. Ruiz. (2002). "How to Design a National Strategy against Organized Crime and Public Sector Corruption in the Framework of the United Nations' Palermo Convention." In The Fight against Organized Crime. New York: UNDP Press
- Cook, H. (2014). Drugs, Sex and Corruption in Philippines' Largest Prison. Indo-Asian News Service, 7.
- Council of Europe. (2009). Corruption risk in criminal process and judiciary <https://rm.coe.int/16806edf5>.
- Deflem, M., 1995. Corruption, law, and justice: A conceptual clarification. Journal of Criminal Justice, 23(3), pp.243-258.
- Danileş, C., & Vasilescu, V. (2010). Corruption and anti-corruption in the justice system. CH Beck..
- Gong, T. (2004). Dependent judiciary and unaccountable judges: Judicial corruption in contemporary China. China Review, 33-54.
- Fair Trial Implications of Corruption Allegations at the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia. www.ticambodia.org FROM: Elizabeth Nielsen, Yale Law School Legal Associate, Documentation Center of Cambodia TO: Anne Heindel Legal Advisor, Documentation Center of Cambodia.
- International Bar Association. (2016). The international bar association judicial integrity initiative: judicial systems and corruption. Ibanet. Org.
- Jenkins, S. (2013). Miscarriages of justice and the discourse of innocence: Perspectives from appellants, campaigners, journalists, and legal practitioners. Journal of Law and Society, 40(3), 329-355.
- Kutner, J. (2014). In South Africa: Corrupt Prosecutors an Ever-Larger Problem. Christian Science Monitor, 2.
- Li, L. (2010). Legality, discretion and informal practices in China's courts. Unpublished PhD thesis, Leiden University.
- Lindgren, J. (1987). The elusive distinction between bribery and extortion: from the common law to the Hobbs Act. UCLA L. Rev., 35, 815.
- Miller, G. P. (2004). Bad Judges. Texas Law Review, 83(2), 431–487.
- Morella, C. (2014). Prison Sex and Drugs Scandal Shocks Philippines. Agence France-Presse, 16.
- Muntingh, L. (2006). Corruption in the prison context (Vol. 11, p. 19). CSPRI Research Report.
- Neil, M. 2014. "Former District Attorney Gets 13 Years in Federal Corruption Case over His Work as a Prosecutor." American Bar Association Journal, 11 February. <http://bit.ly/1xBhuEW>
- New York (NY). Knapp Commission. (1972). The Knapp Commission report on police corruption. George Braziller.
- Peerenboom, R. (Ed.). (2009). Judicial independence in China: lessons for global rule of law promotion. Cambridge University Press.

- Ríos-Figueroa, J. (2012). Justice system institutions and corruption control: evidence from Latin America. *Justice System Journal*, 33(2), 195-214.
- Sengupta, K. 1998. "Corruption Inquiry into Crown Prosecution Service. Independent, 12 October.
- Schütte, S. A., Jennett, V., Messick, R. E., Albanese, J. S., Gramckow, H., & Hill, G. (2015). Corruption risks in the criminal justice chain and tools for assessment. U4 Issue. Sherman, L. W. (Ed.). (1974). *Police corruption: A sociological perspective*. New York: Anchor Press.
- Sherman, L. W. (1978). *Scandal and reform: Controlling police corruption*. Univ of California Press.
- TI Secretara (2007) *Combating Corruption in Judicial Systems: Advocacy Toolkit* Publisher: Field(s): Corruption Type: book.
- Voigt, S., & Gutmann, J. (2015). On the wrong side of the law—Causes and consequences of a corrupt judiciary. *International Review of Law and Economics*, 43, 156-166
- Wagner, B. B., & Jacobs, L. G. (2008). *Retooling Law Enforcement to Investigate and Prosecute Entrenched Corruption: Key Criminal Procedure Reforms for Indonesia and Other Nations*. *U. Pa. J. Int'l L.*, 30, 183.

www.isna.ir
www.tasnimnews.com/fa/news
www.Dw.com
www.tabnak.ir/fa/tags
www.borna.news